

نیم‌نگاهی اجمالی به؛ اخلاق حرفه‌ای جامعه‌سر دفتري

اساساً «اخلاق» به مجموع ویژگی‌ها و صفات و برجستگی‌های رفتاری و گفتار افراد گفته می‌شود که در یک نگاه کلی، در واقع، بر ایند شخصیت فردی و اجتماعی شخص رامي نمايانند. این باور، دور از واقع نیست که در وضع قوانین و مقررات، ولو ناخواسته، اخلاق اجتماعی از طریق اعمال دیدگاه‌های قانونگذار بر مفاد قانون، اثرگذار است و همان طور که قانون در مقام اجرا، قابل اثرگذاری بر اخلاق جامعه است، اخلاق عمومی نیز بر مقررات و قوانین تأثیر نسبی خود را دارد. به یقین، این نظر صحیح است که اخلاق حرفه‌ای با نوشتن منشورهای اخلاقی مرسوم، شکل نمی‌گیرد بلکه اخلاق حرفه‌ای انواع حرفه‌ها، زائیده رفتار حرفه‌ای صاحبان آن حرفه است که در طول زمان و در محل و موقعیت‌های مختلف و شرایط و مقتضیات روز اجتماعی می‌تواند متفاوت یا دست کم دارای وجوه متمایز باشد که از تمییز نقاط اختلاف و تشابه آن می‌توان به یک منشور جامع اخلاقی که مورد تأیید جامعه‌نخبگان آن حرفه خاص و البته حقوق‌دانان باشد، دست یافت. ناگفته پیداست که خاستگاه منشور اخلاقی جامعه‌سر دفتري، حُسن رفتار و عملکرد مطلوب غالب سر دفتران و دفترياران و کارکنان دفاتر اسناد رسمی است.

۱- اخلاق حرفه‌ای، یک شبه زاده نمی‌شود تا با درج آن روی یک صفحه کاغذی یا اینترنتی، خواهان اجرای آن بود. اخلاق حرفه‌ای، در واقع، در طول سالیان دراز، در شخصیت نیکان صاحبان حرفه، در عین درهم آمیختگی اش، متبلور و نمایان است؛ به نحوی که گاهی نمی‌توان حتی شخصیت فردی او را جدای از شخصیت حرفه‌ای اش، بازشناسی نمود. هر چند که امروزه، اخلاق حرفه‌ای قاعده‌پذیر و استاندارد معرفی می‌شود به طوری که صاحبان حرفه بایستی از آن تبعیت و پیروی دقیق نمایند.

۲- برخلاف برخی که مدعی اند اخلاق حرفه‌ای، رشته‌ای کلی است که با شاخه‌هایی مانند اخلاق کار، اخلاق پزشکی، اخلاق زیستی، اخلاق حقوقی و اخلاق محیط‌زیست، تکمیل می‌شود، هیچ یک از آن، قواعد اخلاقی مکمل اخلاق حرفه‌ای نیست بلکه صرفاً مکمل اخلاق حرفه‌ای، اخلاق حقوقی است. و شاکله اصلی اخلاق حرفه‌ای، اخلاق حقوقی است. یعنی زیرساخت و سنگ بنای اخلاق حرفه‌ای، اخلاق حقوقی است. همین است که منشور اخلاقی هر یک از حرفه‌ها، بایستی مورد تأیید جامعه حقوقی نیز باشد.

۳- از آنجا که خاستگاه اخلاق حرفه‌ای هر حرفه، حُسن رفتار و عملکرد مطلوب و ویژگی‌های شایسته نیکان و خوبان آن حرفه است، به عدد حرفه‌های فعال هر جامعه‌ای، می‌توان قائل به اخلاق حرفه‌ای خاص آن حرفه شد.

۴- اخلاق حرفه‌ای بایستی بتواند با تعیین شاخص‌های اخلاقی- حرفه‌ای هر حرفه (یا حرفه‌ای خاص)، آن را در قالبی بسیار مختصر و مفید، به نحو ضابطه‌مند و قاعده‌محور، تبیین و تشریح نماید تا زیر عنوان «منشور اخلاق حرفه‌ای»، قابل ارائه و اعمال از سوی صاحبان آن حرفه باشد؛ به طوری که صاحبان آن حرفه، با رعایت دقیق آن، از انتساب هر نوع تخلف حرفه‌ای به ایشان، مصون و مبرا باشند و هیچ نوع مسؤولیت حرفه‌ای متوجه صاحب حرفه اخلاق مدار نباشد.

۵- اخلاق حرفه‌ای، در واقع، دربرگیرنده دو طیف اساسی و اصلی است؛ یکی، طیف وسیعی از اخلاقیات انسانی و اجتماعی و دیگری، طیف بی‌شماری از ویژگی‌های مبرز و مشخص و ضوابط و قواعد خاص و ویژه هر حرفه که ممکن است به فراخور زمان و مکان و شرایط و مقتضیات، قابل تغییر به معنای مثبت و در جهت ارتقا و رشد و تعالی حرفه باشد.

عروقتی صحبت از اخلاق حرفه‌ای می‌شود، در واقع، مراد از آن، نتیجه امتزاج و اختلاط عرفی اصول اخلاقی با اصول حرفه‌ای است. و منظور از اصول حرفه‌ای، مسؤولیت‌های اجتماعی و عرفی حرفه است. البته ممکن است برخی مسؤولیت‌های اجتماعی و عرفی همچون وصف «امانت»، مشترک بین چند حرفه از جمله وکالت، قضاوت و سردفتری باشد؛ که در این صورت، بایستی برای تبیین اصول حرفه‌ای هر یک از حرفه‌های حقوقی یادشده، به دیگر ابعاد متمایز حرفه‌ای پرداخت تا از یکدیگر تمییز داده شوند.

۷- بنابراین، مشاغل وکالت، قضاوت، سردفتری، کارشناس رسمی دادگستری، مترجم رسمی دادگستری، مشاور حقوقی و دیگر حرفه‌های مرتبط با رشته شغل حقوق، هر کدام، "حرفه‌ای" جداگانه‌اند و در بحث اخلاق حرفه‌ای، هر یک از این حرفه‌ها می‌تواند برخوردار از اخلاق حرفه‌ای متمایز و حتی متفاوت باشد.

۸- از همین رو، رویکرد ضرورت حفظ استقلال و کیل در نقطه مقابل آن یعنی دستگاه قضایی، صحیح بوده و با منطق حقوقی نیز سازگار است. و کیل در مقابل قاضی و همچنین کانون وکلای دادگستری در برابر قوه قضائیه بایستی از استقلال لازم بهره‌مند باشند تا حق، به تمامی ظرفیت قانونی، رعایت شود، تا آنجا که هیچ حقی تضییع نشود.

همین نگاه نسبت به سردفتران و قضات، قابل تسری است؛ چرا که سند رسمی صادر شده از دفتر اسناد رسمی، لازم‌الاجرا است و جز در ادعای جعل، قابل انکار و تردید نیست. و جعل، استثنایی است قانونی بر اصل لازم‌الاجرا بودن سند رسمی.

این است که هر چند سردفتر و قاضی، هر دو، کار گزار حاکمیت محسوب می‌شوند ولیکن سردفتر، مستقل از قاضی و دادگاه‌ها رفتار می‌کند و قانون و عرف و اخلاق حرفه‌ای حاکم بر جامعه سردفتری نیز پشتیبان سردفتر و دفتر اسناد رسمی تنظیم کننده و صادر کننده سند رسمی است. و مؤید این مهم، اجرای مفاد سند رسمی از طریق دایره اجرای مستقر در ادارات ثبت اسناد و املاک، بدون مراجعه به مراجع قضایی و دادگاه است.

۹- به نظر می‌رسد که بایستی اصول حاکم بر اخلاق حرفه‌ای هر حرفه را از بطن و متن قوانین و مقررات راجع به آن حرفه، استخراج نمود و کمتر موردی است که بتوان به صراحت، به آن دست

یافت بلکه اغلب صرفاً با استنباط، قابل فهم و استخراج است.

۱۰- به عنوان مثال، ماده ۳۰ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴، بر این مهم تأکید دارد که اصل بر مشتری‌مداری و ارباب‌رجوع‌محوری است. و دفتر اسناد رسمی اعم از سردفتر یا دفتریار، نمی‌تواند بدون دلیل قانونی و استدلال محکمه‌پسند، از خواسته قانونی و صحیح ارباب‌رجوع، روی برگرداند و آن را انجام ندهد بلکه حتی در صورت وجود معاذیر قانونی و یا موانع حقوقی یا عذر قابل پذیرش، بایستی پاسخ در خواست کتبی ارباب‌رجوع را کتبی بدهد. و در خصوص مورد، بار مسؤلیت قانونی سردفتر در رعایت الزامات قانونی و نظامات، بر حقوق مدعی ارباب‌رجوع، از سوی قانونگذار، ترجیح داده شده است.

در مقام تفسیر موضوع مورد بحث از مفاد ماده ۳۰ قانون یادشده باید گفت که حکم مستنبط از این ماده، مصداق بارز قانونی شدن یک اصل اخلاقی است که به درستی، از ضمانت اجرای قانونی نیز برخوردار شده است. اصل اخلاقی مفهوم از مفاد ماده ۳۰ قانون مذکور، اصل «رازداری» و حفظ و «کتمان داشتن اسرار» ارباب‌رجوع است که امروزه، از آن به «اصل رعایت محرمانگی اطلاعات و حفظ اسرار»، یاد می‌شود. چرا که سردفتر یا دفتریار ممکن است که در پاسخ به علت استتکاف خود، به اصل رازداری متمسک شود. هر چند که این می‌تواند وجهی از ابعاد قابل تصور موضوع باشد که مستلزم بررسی بیشتر و واکاوی دقیق‌تر است.

و اما دو پرسش اساسی؛ یکی این که آیا اخلاق، وارد بر حقوق است یا حقوق منبعث از اخلاق؟ و آن دیگر، این که آیا سردفتری و دفتریاری، دو حرفه محسوب است یا هر دو به عنوان یک حرفه، قابل جمع‌اند؟

پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، بسیار می‌تواند کارساز و راهگشا در برخی اختلاف‌نظرها باشد. به طوری که چه بسا شرح وظایف و تکالیف قانونی هر یک و تعیین حدود مسؤلیت مدنی هر یک از سردفتر و دفتریار، می‌تواند متفاوت باشد و از بروز اصطکاک بکاهد و باعث حفظ شأن و جایگاه اجتماعی دفاتر اسناد رسمی در مقام اجرای اصول اخلاق حرفه‌ای سردفتر و دفتریار شود. و پیشنهاد مشخص این است که دستگاه تقنینی کشور در مقام اصلاح قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴ با امعان نظر دقیق به اصول

اخلاق حرفه‌ای جامعهٔ سردفتری، اقدام به اصلاح قانون نماید. و بدیهی است که جامعهٔ سردفتری ایران بایستی، خود، جهت تدوین اصول اخلاق حرفه‌ای سردفتری، نسبت به دیگران پیش قدم باشد.

رضاتا جگر*

مشاور مدیر مسؤؤل